

## مقایسه کتاب علی علیه السلام و صحیفه آن حضرت در جوامع روایی فریقین

دکتر کامران ایزدی مبارکه \*

**چکیده:** در جوامع معتبر روایی اهل سنت احادیث مشهوری مبنی بر اینکه امیر المؤمنین علی علیه السلام صحیفه ای داشته روایت شده است. در جوامع روایی شیعه نیز این صحیفه نقل گردیده است و از مجموع این روایات دو مطلب مهم استفاده می شود: ۱- این صحیفه حاوی احادیثی نبوی در برخی از احکام فقهی بوده است مانند: آزاد کردن اسیر، کیفر مسلمانی که کافری را به قتل رسانده است، ماجرا جویان، فتنه گران و حامیان ایشان. ۲- صحیفه امام علی علیه السلام کتابی مختصر و طومارمانند بوده که امیر مومنان علیه السلام به احتمال قوی آن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دریافت نموده و یا از آن بزرگوار به ارث برده و همواره همراه آن بزرگوار بوده است.

در جوامع روایی شیعه کتاب بسیار مفصلی برای امیر مومنان گزارش شده که حاوی تمام احکام مورد نیاز جامعه اسلامی بوده است. این کتاب اولین کتاب روایی در تاریخ حدیث محسوب می شود که به املاء رسول خدا صلی الله علیه و آله و خط امیر مومنان علیه السلام نوشته شده و از میراث‌های اختصاصی اهل بیت علیهم السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حساب می آید. در برخی از منابع اهل سنت تحت عنوان: امالی رسول الله اشاراتی به این کتاب جامع شده است اما گزارش‌های مفصل آن اختصاص به منابع روایی شیعه دارد. از این کتاب به کتاب علی علیه السلام و صحیفه جامعه یاد شده و روایاتی از آن در ابواب مختلف فقهی و اخلاقی توسط ائمه اطهار علیهم السلام نقل گردیده که در کتب اربعه شیعه یافت می شود.

واژه های کلیدی: صحیفه جامعه - کتاب علی علیه السلام - صحیفه علی علیه السلام - تاریخ حدیث - تدوین حدیث

بر اساس متون تاریخی، نخستین کسی که احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله را ثبت و ضبط کرد، امیرمؤمنان علی علیه السلام بود. سپس سلمان فارسی و بعد از او ابوذر غفاری، به تدوین حدیث مبادرت کردند. بعد از امیرمؤمنان علیه السلام، از شیعیان آن حضرت اولین کسی که حدیث را تدوین کرد، ابو رافع مولی رسول الله صلی الله علیه و آله بود (صدر، بی تا، ص ۲۸۰).

در اعیان الشیعة در مبحث فقهای شیعه و مؤلفان ایشان در حدیث و فقه، چنین آمده است: اولین فرد از ایشان (شیعیان) آقا و امام مذهب شیعه، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در شهر علم مصطفی صلی الله علیه و آله است، که می فرمودند: قبل از اینکه مرا از دست دهید، هر چه می خواهید از من سؤال کنید. و کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره او فرمودند: آگاه ترین شما در قضاوت، علی است. و آن کس که خلیفه دوم درباره اش گفت: اگر علی نبود، عمر هلاک شده بود، و مشکلی پیش نیاید که در آن ابوالحسن نباشد (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۳۹). بعد از امیرمؤمنان علیه السلام از شیعیان آن حضرت اولین کسی که حدیث را تدوین کرد، ابو رافع، آزاد شده رسول خدا صلی الله علیه و آله بود (صدر، بی تا، ص ۲۸۰).

### صحیفه علی علیه السلام و مدارک آن

اولین مجموعه روایی که در اسلام تدوین شد، صحیفه ای است که به املائی رسول الله صلی الله علیه و آله و خطّ علی علیه السلام بود. خبر وجود این صحیفه، در منابع روایی معتبر اهل سنت مشهود است. ایشان آن را صحیفه کوچکی که شامل مسائلی مربوط به مقدار دینه و احکام آزاد شدن اسرا است، دانسته اند.

محمد بن اسماعیل بخاری در چند مبحث از «صحیح» خود از این کتاب نام برد؛ از جمله در ابواب: «کتاب العلم» و «کتاب الديات» به اسناد خود از ابوجحیفه، نقل کرد که گفت (بخاری، ج ۱، ص ۳۸ و ج ۹، ص ۱۳):

« به علی - رضی الله عنه - گفتم: آیا در نزد شما چیزی از وحی غیر از آنچه در کتاب خداست، وجود دارد؟ گفت: قسم به آن کس که دانه را شکافت و آدمی را خلق کرد، چیزی جز قدرت فهم قرآن که خداوند به انسان عطا می فرماید و آنچه در این صحیفه است، نمی دانم. گفتم: در این صحیفه چیست؟ گفت مسائل دینه و آزاد کردن اسیر و اینکه مسلمان به جرم کشتن کافر، کشته نمی شود.»

همچنین، وی از این صحیفه در ابواب متعددی از صحیح خود یاد کرده است؛ مانند: «باب کتاب العلم»، (ج ۱، صفحه ۳۸)، «باب اثم من عاهد ثم غدر» (ج ۸، صفحه ۱۲۴)، «باب مایکره من التعمق و التنازع فی العلم»، (ج ۹، صص ۱۱۹-۱۲۰ و ج ۳ کتاب الحج، باب حرم المدينة)، «باب العاقلة»، (ج ۹، صص ۱۳-۱۴) و «باب لایقتل مسلم بالکفر»، (ج ۹، ص ۱۶).

و نیز در صحیح مسلم (ج ۴، کتاب العتق، باب تحریم تولی العتیق غیر موالیه و ج ۶، باب تحریم الذبح لغيرالله)، سنن نسائی (ج ۸، صص ۱۹ و ۲۳) و مسند احمد بن حنبل (ج ۱، ص ۱۵۱)، این صحیفه عنوان شده است.

در شرح عینی بر صحیح بخاری آمده است که در این مسأله که مسلمان به جرم کشتن کافر کشته نمی‌شود، عده‌ای به صحیفه علی علیه السلام استناد کرده‌اند؛ از جمله:

۱. عمر بن عبدالعزیز
۲. عبدالرحمن بن عمرو الاوزاعی (د. ۱۰۷ ق.)، امام اهل شام
۳. سفیان بن سعید بن مسروق الثوری (د. ۱۶۱ ق.)
۴. عبدالله بن شبرمه القاضی البجلی (د. ۱۴۴ ق.)، قاضی منصور عباسی
۵. مالک بن انس (د. ۱۷۹ ق.)، امام مذهب مالکیه و صاحب کتاب «موطأ» که درباره‌اش گفته‌اند که فقط در حالت طهارت و با وضو، حدیث نقل می‌کرد.
۶. محمد بن ادریس الشافعی (د. ۲۴۱ ق.) یکی از ائمه چهارگانه اهل سنت
۷. ابومحمد اسحاق بن راهویه (د. ۲۳۸ ق.)، یکی از فقهایی که احمد بن محمد بن حنبل، او را امیرالمؤمنین در حدیث نامید.
۸. ابراهیم بن خالد بن الیمان الکلبی ابو ثور البغدادی (د. ۲۴۰ ق.)، یکی از پیشوایان مجتهدان (غفاری، ۱۳۶۹، ص ۲۲۸).

حسن بن فروخ صفار، از محدثان شیعه و معاصر بخاری، در این باره می‌گوید: آن حضرت (حضرت امیر علیه السلام) کتابی موسوم به صحیفه که در مبحث دیات است، دارد. و آن را به شمشیرش آویزان می‌کرد. و نسخه‌ای از آن، نزد من است (صدر، ص ۲۷۹).

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«وجد فی ذؤابة سیف رسول الله صلی الله علیه و آله صحیفه فاذا فیها: «بسم الله الرحمن الرحیم إن أعتی الناس علی الله عزوجل - یوم القیامة من قتل غیرقاتله و الضارب غیرضاربه و من تولی غیر موالیه فهو

کافر بما أنزل الله على محمد و من أحدث حدثاً أو آوى محدثاً لم يقبل الله -عزوجل- منه يوم القيامة صرفاً و لاعداً. قال، ثم قال لي: أتدري ما يعني تولى غير موالیه؟ قلت: مايعنى به؟ قال: يعنى اهل الدين (و فى بعض النسخ: اهل بيت). ( در دستة شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله صحیفه‌ای یافت شد که در آن چنین نوشته شده بود: به نام خداوند بخشنده مهربان. سرکش ترین مردم بر حق تعالی در روز قیامت کسی است که غیر از مردی که قصد جانش را کرده باشد، بکشد؛ و غیر از کسی که وی را زده باشد، بزند؛ و سرپرستی غیر از سرورانش و پیشوایانش (برحق) را بپذیرد. چنین کسی به آنچه خداوند بر محمد فرو فرستاده، کافر است. و هر کس فتنه‌جویی کند یا فتنه‌جویی را پناه دهد، خداوند متعال در روز رستاخیز عذاب دوزخ را از وی برنخواهد گرداند و از او در برابر گناهش هیچ چیز نخواهد پذیرفت (تا در برابر آن نجات یابد بلکه عذاب برای او حتمی است) سپس فرمودند: آیا می‌دانی مراد از «موالی» چیست؟ راوی می‌گوید: گفتم مراد چیست؟ فرمودند: یعنی اهل دین - و در برخی نسخه‌ها آمده است: یعنی اهل بیت).

از ایوب بن عطیه الحداء روایت شد که گفت (برقی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸):

«سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: إنَّ علیاً وجد کتاباً فی قراب سیف رسول الله صلی الله علیه و آله مثل الإصبع فیه: إنَّ أعتی الناس علی الله القاتل غیر قاتله والضارب غیر ضاربه، و من والی غیر موالیه فقد کفر بما أنزل الله علی محمد صلی الله علیه و آله و من أحدث حدثاً أو آوى محدثاً فلا يقبل الله عنه صرفاً و لاعداً و لایحلّ لمسلم أن یشفع فی حدّ.»

در این حدیث، همان مطالب روایت پیشین تکرار شده، جز آنکه در پایان این عبارت افزوده شده است: برای هیچ مسلمان، روا نیست که دربارهٔ بخشش حد، از مجرمی وساطت کند. امام رضا علیه السلام روایتی را از پدران بزرگوارش نقل کردند، که امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند (امام رضا (ع)، ۱۴۰۸، ق، ص ۲۳۷):

«ورثت عن رسول الله صلی الله علیه و آله کتابین: کتاب الله -عزوجل- و کتاباً فی قراب سیفی. فقیل یا امیرالمؤمنین و ما الكتاب الذی فی قراب سیفک؟ قال: من قتل غیر قاتله او ضرب غیر ضاربه فعليه لعنة الله» (از رسول خدا صلی الله علیه و آله دو کتاب به ارث بردم: کتاب خداوند متعال و کتابی که در غلاف شمشیر من است. به آن حضرت عرض شد: ای امیرمؤمنان! کتابی که در غلاف شمشیر شماست، چیست؟ فرمودند: هر کس غیر از کسی که قصد جانش را کرده باشد، بکشد یا غیر از زندهٔ خود را بزند، از رحمت خداوند دور باد.)

از این روایات بخوبی استفاده می‌شود که این صحیفه در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نوشته شد، و حضرت امیر علیه السلام آن را از حضرت رسول صلی الله علیه و آله به ارث برد. لذا، برخی به صراحت این صحیفه را از آن رسول اکرم صلی الله علیه و آله دانسته‌اند، که آن را فقط به حضرت امیر علیه السلام بخشیدند. به همین دلیل، باید این صحیفه را مکتوبی غیر از کتاب امیرمؤمنان علیه السلام دانست (جلالی، ۱۴۱۳، صص ۵۸-۵۹).

در ادامه بحث گفته می‌شود که آن کتاب، بسیار مفصل و حاوی مطالبی بسیار گسترده‌تر از این صحیفه بود. و اساساً، کتاب آن حضرت به املاي پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خط امیرالمؤمنین علیه السلام بود. در صورتی که در هیچ یک از روایات مربوط به این صحیفه، چنین قیدی وجود ندارد. لذا، یا باید به طور کلی این صحیفه را مکتوبی جدا از کتاب آن حضرت دانست و یا آن را بخشی از کتاب آن حضرت به حساب آورد.

ظاهراً احتمال نخست، قویتر به نظر می‌رسد؛ زیرا محتوای این صحیفه با عهدنامه‌ای از رسول خدا صلی الله علیه و آله که ابن‌هشام در سیره خود آورده است، شباهتهای زیادی دارد. توضیح اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از هجرت، از جمله نخستین اقداماتی که انجام دادند، انعقاد عهدنامه‌ای بین مهاجران، انصار و یهودیان ساکن مدینه بود که در آن، حقوق متقابل هر یک از گروه‌های مزبور را معین کردند. این عهدنامه - که در واقع عهدنامه ترک مخاصمه و همزیستی مسالمت‌آمیز بود- به صورت سندی قانونی در اختیار مسلمانان و یهودیان قرار گرفت و تعهداتی برایشان ایجاد کرد؛ زیرا در متن عهدنامه، تقریباً ده بار تعبیر: «اهل هذه الصحيفة» تکرار شده است.

مقایسه متن این عهدنامه با صحیفه‌ای که منابع اهل سنت از علی علیه السلام روایت کرده‌اند، نشان می‌دهد که هر سه حکم صحیفه مزبور: میزان و مقدار دیه، آزادی اسیر به شرط فدا و نکشتن مسلمان در مقابل کافر، در عهدنامه مزبور وجود داشت. در این صورت، تأکید این منابع در اختصاصی بودن صحیفه مزبور نسبت به علی علیه السلام چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

استاد فؤاد عبدالباقی در ذیل حدیث صحیفه علی علیه السلام می‌نویسد (معارف، ۱۳۶۷، صص

۴۹-۵۰):

«احتمالاً، نظر علی علیه السلام آن بود که اختصاصی بودن این صحیفه را از حیث مکتوب بودن آن نزد خود اعلام کند؛ زیرا صحیفه مزبور -یا همان عهدنامه ترک مخاصمه- نزد آن حضرت به صورت مکتوب موجود بود، اما دیگران آن را به صورت مکتوب در اختیار نداشتند.»

نکته مهم دیگر آن است که بر فرض پذیرش این احتمال باید گفت که برخی از این روایات، صراحت دارند که امیرمؤمنان علیه السلام فقط این صحیفه را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ارث بردند و

چیزی دیگر از میراث نبوت در اختیار آن حضرت نبود. لذا، از نظر علمی تفاوتی بین آن بزرگوار و دیگران وجود ندارد؛ چنانکه روایات مربوط به صحیفه امیرمؤمنان (ع) در منابع اهل سنت، حاوی چنین صراحتی است. حال آن که بنا بر روایات شیعه صحیفه جامعه امیرالمؤمنین (ع) که به املای رسول خدا و خط علی (ع) نگاشته شد، حاوی همه احکام مورد نیاز جامعه اسلامی است (معارف، ۱۳۶۷، صص ۴۹-۵۰).

### نقد و بررسی سخن ابوریه درباره این صحیفه

وی در این باره می‌نویسد (ابوریه، بی تا، ص ۹۶):

«و مرد شگنا آن علیاً (ع) اذا كان قد اراد أن يكتب عن رسول الله (ص) ما يراه نافعا للدين و المسلمين فلا تكفيه مثل هذه الصحيفة التي كان يضعها كما يقولون في قراب سيفه وإنما يكتب آلاف الأحاديث في جميع ما يهيم المسلمون و هو صادق في كل ما يكتب». (سبب شك ما نسبت به وجود چنین کتابی، آن است که اگر علی (ع) می‌خواست از رسول خدا (ص) چیزی که برای دین و مسلمانان سودمند باشد، بنویسد، امثال این صحیفه که در غلاف شمشیرش می‌نهاد، برای او کافی نبود (و نظر او را تأمین نمی‌کرد). بلکه، هزاران حدیث در تمام امور مهم مسلمانان می‌نگاشت. و اگر او اراده چنین کاری را می‌کرد، در هر آنچه می‌نوشت راستگو و امین بود).

اما چنانکه گفته شد، در منابع معتبر متعددی از فریقین، وجود چنین صحیفه‌ای ذکر شده است و بسیاری از دانشمندان سنی و شیعه به آن استناد کرده‌اند. از طرفی، اختلاف این صحیفه - که شامل مطالب محدودی بوده - با کتاب آن حضرت - که بسیار گسترده‌تر از آن بوده است - بیان شد. لذا، جایی برای طرح چنین شبهاتی باقی نمی‌ماند.

### کتاب علی (ع) و مدارک آن

ابوالعباس نجاشی (ره) به اسناد خود از محمد بن عذا فرصیرفی نقل کرد که گفت (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۲۶۱-۲۶۲):

«كنت مع الحكم بن عتيبة عند ابي جعفر (ع) فجعل يسأله و كان ابو جعفر (ع) له مكرما فاختلفا في شيء! فقال ابو جعفر (ع) يا بتي قم فأخرج كتاب علي فأخرج كتاباً مدروجاً عظيماً و فتحه و جعل ينظر حتى أخرج المسأله فقال ابو جعفر (ع) هذا خطّ علي (ع) و املاء رسول الله (ص) و أقبل علي الحكم و قال: يا ابا محمد اذهب انت و سلمه و ابوالمقدام حيث شئتم يمينا و شمالاً فوالله لاتجدون العلم أوثق منه عند قوم كان ينزل عليهم جبرئيل (ع). (من و حكم بن عتيبه

نزد امام باقر علیه السلام بودیم، وی شروع به سؤال کردن از حضرت نمود. او در نزد امام باقر علیه السلام از احترام خاصی برخوردار بود. در ضمن صحبت دربارهٔ مسأله‌ای به اختلاف رسیدند. حضرت باقر علیه السلام به فرزندش فرمودند: آن کتاب بزرگ و درهم پیچیده را بیاور. سپس در آن نگرستند تا جواب مسأله را دریافتند. بعد فرمودند: این خط علی علیه السلام و املائی رسول الله صلی الله علیه و آله است و رو به سوی حکم کردند و فرمودند: ای ابا محمد! تو، سلمه و ابوالمقدام به شرق و غرب عالم به هر کجا که می‌خواهید، بروید. به خدا قسم! علمی را محکم‌تر و مطمئن‌تر از علم قومی که جبرئیل علیه السلام برایشان نازل می‌کند نخواهید یافت.

این، همان «جامعه» است که طبق نقل طبرسی (ره)، کتابی است به طول ۷۰ ذراع و به املائی رسول خدا صلی الله علیه و آله که در آن دینۀ یک خراش، یک تازیانه و نصف تازیانه نیز ذکر شده است. (طبرسی، ۱۳۹۹ق).

عیاشی به اسناد خود از سورهٔ بن کلیب نقل کرده که گفت (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۲۷۶):  
«زید بن علی به من گفت: چگونه دانستید که هم صحبتشان - (یعنی جعفر بن محمد علیه السلام) - واقعاً دارای همین ویژگی‌هایی است که شما برای او ذکر می‌کنید. گفتیم: از فرد خبره‌ای سؤال کردی. گفت: خوب، جواب چیست؟ گفتیم: ما نزد برادرت محمد بن علی علیه السلام می‌آمدیم و از او سؤال می‌کردیم. می‌گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین گفت، و خدای - عزوجل - در کتابش چنین فرمود. بعد از او، به نزد شما آل محمد صلی الله علیه و آله می‌آمدیم و تو نیز از جملهٔ ایشان بودی که به بعضی از سؤالات ما پاسخ می‌دادی، نه به تمام آنها. تا اینکه نزد پسر برادرت جعفر آمدیم، او همانند پدرش می‌فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین گفت، و خدا - عزوجل - چنان فرمود. در این هنگام، زید تبسمی کرد و گفت: بدان که قسم به خدا، علت گفتار تو این است که کتابهای علی علیه السلام نزد اوست.»

از امام صادق علیه السلام نقل شد که فرمود (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۸، ص ۱۳۶۳):

«کان علی بن الحسین علیه السلام إذا أخذ کتاب علی علیه السلام فنظر فیہ قال: من یطریق هذا؟ من یطریق ذا؟ قال: ثم یعمل به و کان إذا قام الی الصلاة تغیر لونه حتی یعرف ذلک فی وجهه و ما أطاق أحد عمل علی علیه السلام من ولده من بعده الا علی بن الحسین علیه السلام...» (امام سجاده علی بن الحسین علیه السلام هنگامی که کتاب علی علیه السلام را برمی‌داشتند و در آن نگاه می‌کردند، می‌فرمودند: چه کسی توانایی آن را دارد که چون او عمل کند؟ امام صادق علیه السلام سپس اضافه کردند: امام

سجاد علیه السلام به آنچه در آن کتاب می یافتند، عمل می کردند و هنگامی که برای نماز برمی خاستند رنگ چهره شان دگرگون می شد؛ به گونه ای که در سیمایشان آشکار می گردید. و هیچ یک از فرزندان آن حضرت، جز علی بن الحسین علیه السلام، توانایی آن را نداشت که چون او عمل کند. ظاهراً مراد از صحیفه هایی که نزد امام سجاد علیه السلام بود و در آن کیفیت عبادت های علی علیه السلام وجود داشت، کتاب علی علیه السلام است. (ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴، ص ۱۴۹).

حکم بن عتیبه از امام باقر علیه السلام درباره انواع دبه شکستن دندان سؤال کرد. حضرت پس از پاسخ فرمودند (کلینی، بی تا، ج ۷، ص ۳۲۹):

«هكذا وجدناه في كتاب علي عليه السلام» (در کتاب علی علیه السلام چنین یافتیم).

از زراره بن اعین نقل شد که گفت (کلینی، ج ۷، ص ۹۴):

«از امام باقر علیه السلام درباره میراث جد سؤال کردم. فرمودند: من هیچ کس را جز امیرالمؤمنین سراغ ندارم، مگر این که در این باره براساس رأی خود سخن گفته است. پس از استفسار زراره، حضرت به وی امر می کنند که فردای آن روز نزد حضرت آید. فردای آن روز، حضرت به فرزند خود، امام جعفر صادق علیه السلام رو می کنند و می فرمایند: صحیفه فرائض را بر روی بخوان. و جهت استراحت آن مکان را ترک می کنند. زراره می گوید: فقط من و جعفر علیه السلام در آن اتاق ماندیم، سپس برخاستند و صحیفه ای که مانند ران شتر بود، برای من آوردند... هنگامی که انتهای صحیفه را به من دادند، دیدم کتابی است قطور و شبیه کتب پیشینیان می باشد. در آن نگرستم... صبح هنگام، امام باقر علیه السلام را ملاقات کردم. به من فرمودند: آیا صحیفه فرائض را خواندی؟... ای زراره! به خدا سوگند براستی که آنچه در آن دیدی، حق است. آنچه دیدی، املائی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خط علی علیه السلام است... پدرم از جدم نقل کرد که امیرمؤمنان علیه السلام وی را به آن خبر داده است.»

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت کرد که فرمودند (کلینی، ج ۲، ص ۴۸۴):

«إِن فِي كِتَابِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «إِنَّ الْمَدْحَةَ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ...» (در کتاب علی علیه السلام چنین

آمده است: پیش از درخواست از خداوند متعال باید به حمد و ثنای الهی پرداخت...)

از حرمان بن اعین روایت شد، که امام صادق علیه السلام فرمودند: که در کتاب علی علیه السلام آمده

است (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۲۸):



«إذا صلّوا الجمعة في وقت فصلّوا معهم» (هرگاه عامه مسلمانان به نماز جمعه ایستادند،

شما نیز با ایشان نماز بخوانید (از اقتدای به امام آنان اجتناب نورزید).

زرارة بن اعین از امام صادق علیه السلام روایت کرد که فرمودند (کلینی، ج ۳، ص ۹):

«فی کتاب علی علیه السلام أن الهر سبع و لابس بسوره». (در کتاب علی علیه السلام چنین آمده است

که گریه از درندگان به حساب می آید و اشکالی در تناول نیم خورده آن نیست).

از این کتاب با عنوان: «کتاب علی علیه السلام» احادیث مختلفی در موضوعات زیر نقل شده

است: حرمت معطر کردن محرمی که از دنیا رفته مانند محرم زنده (کلینی، ج ۴، ص ۳۶۸؛

طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۲۹، ج ۹۶۳ و ج ۵، ص ۳۸۳، ج ۱۳۳۷)، اوقات نماز (طوسی، ج ۲،

ص ۲۳، ج ۶۴ و ج ۲، ص ۲۵۱، ج ۹۹۵؛ همو، ۱۳۹۰، ق)، لباس نمازگزار (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۳،

ص ۲۵۰، ج ۱).

شیخ صدوق (ره) در کتاب من لایحضره الفقیه، باب مفصلی را با عنوان: «ذکر جمل من

مناهی النبی علیه السلام» گشوده و در آن روایتی را از امام صادق علیه السلام آورده که آن حضرت از پدران

بزرگوارش و از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده و در آن امور متعددی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آنها نهی

کردند، بازگو کرده است. در پایان حدیث، شعیب بن واقد، راوی حدیث می گوید: ( صدوق،

۱۳۹۰، ج ۴، صص ۱۱ و ۱۲؛ آغا بزرگ تهرانی، ج ۲، صص ۳۰۶-۳۰۷؛ صفار قمی، ۱۴۰۴، ق،

صص ۱۴۲-۱۶۸):

« از حسین بن زید درباره علت طولانی بودن حدیث سؤال کردم. گفت: جعفر بن

محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام مرا حدیث کرد که آن حضرت این حدیث را

از کتابی که به املای رسول خدا صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام بود، گردآوری کردند.»

آنچه به طور قطع از مجموع این روایات استفاده می شود آن است که این کتاب، بسیار

جامع و حاوی موضوعات مختلف فقهی همچون: نماز، دعا، معاملات، حدود و دیات، قضاء و

شهادت، مسائل مربوط به ارث و نیز موضوعات اخلاقی و اعتقادی بود. تعبیرهایی همچون:

«مدروجاً»، «مثل فخذ البعیر»، «کتاب غلیظ» و «طوله سبعون ذراعاً»، بخوبی بر مفصل و

حجیم بودن کتاب دلالت دارد. (جلالی، ۱۳۷۱، ص ۷۰).

به همین خاطر - چنانکه گذشت - زید بن علی علیه السلام از آن به عنوان کتابهای علی علیه السلام که

نزد امام صادق علیه السلام بود، یاد کرد (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۳۷۶).

از تمام آنچه گفته شد، استفاده می‌شود که این کتاب صحیفه‌ای کوچک نبود. و اطلاق صحیفه بر آن به معنای یک ورق نیست، بلکه در لغت صحیفه به معنای کتاب است. (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۱۸۶). در روایات بر این کتاب چند اسم از جمله: صحیفه، کتاب علی (ع) و جامعه، اطلاق شده است. (آغابزرگ تهرانی، ج ۵، ص ۱۱۸؛ امین، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹۳). این کتاب موسوم به «مالی رسول الله (ص)» نیز می‌باشد (آغابزرگ تهرانی، ج ۲، ص ۳۰۶). احتمالاً، آنچه در برخی روایات ذکر شده است و دلالت بر این دارد که رسول الله (ص) به امیرالمؤمنین مطالبی را املا کرده اند، ناظر بر همین کتاب یا بخش‌هایی از آن است. در اینجا به ذکر چند نمونه می‌پردازیم:

۱. علی بن حسین بن بابویه به اسناد خود از ام سلمه نقل کرده است که گفت (صفا ر قمی، ۱۴۰۴، ص ۱۶۳):

« رسول خدا (ص) علی (ع) را در خانه خود نشانده، سپس پوست گوسفندی طلب کردند و مطالبی را به وی املا فرمودند و آن حضرت در آن نوشت تا آن که تمام آن پوست پر شد.»

۲. شیخ صدوق محمد بن علی بن الحسین به اسناد خود از امام باقر (ع) نقل کرد (صدوق، ۱۳۶۳، صص ۲۰۶-۲۰۷):

«قال رسول الله (ص) لأُمیر المؤمنین: اکتب ما أُملی علیک. قال: یا نبی الله و تخاف علی النسیان؟ فقال: لست أخاف علیک النسیان و قد دعوت الله لک أن یحفظک و لاینسیک و لکن أکتب لشرکائک. قال: قلت: و من شرکائی یا نبی الله؟ قال: الاثمه من ولدک، بهم تسقی امتی الغیث و بهم یتجاب دعاؤهم و بهم یتصرف الله عنهم البلاء و بهم تنزل الرحمه من السماء و هذا اولهم و اومأ بیده الی الحسن (ع) ثم أو مآ بیده الی الحسین (ع) ثم قال (ع) الاثمه من ولده... » (رسول خدا (ص) به امیرمؤمنان (ع) فرمودند: آنچه را که بر تو املا می‌کنم بنویس. عرض کردند: ای پیامبر خدا! آیا از فراموشی بر من بیمناکی؟ فرمودند: بر تو از فراموشی بیمی ندارم، چرا که برای تو از خداوند طلب کرده‌ام که تو را حفظ کند تا چیزی از یادت نرود. اما برای شریکانت بنویس. عرض کردند: ای پیامبر خدا! شریکان من کیانند؟ فرمودند: امامان از فرزندان تو. به واسطه ایشان است که باران بر امت من می‌بارد و دعای امت من مستجاب می‌گردد و به واسطه آنان است که خداوند بلا را از امت برمی‌گرداند و از آسمان رحمت نازل می‌سازد. و این نخستین ایشان است. و با

دست خود به حسن علیه السلام اشاره کردند، سپس به حسین علیه السلام اشاره نمودند و فرمودند: امامان، از فرزندان وی می باشند.

از آنچه گذشت نتیجه می شود که این کتاب غیر از صحیفه ای است که پیشتر به عنوان صحیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن یاد شد، که نزد علی علیه السلام نگهداری می گردید. هانستیم که آن صحیفه کوچک، مختصر و در غلاف شمشیر آن حضرت بود، حال آن که این کتاب بسیار مفصل و جامع به شمار می رفت.

از حضرت امیر علیه السلام درباره حالات خود با رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شد که فرمودند (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۶۴):

« من هر روز یک بار و هر شب نیز یک بار بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد می شدم که به تنهایی مرا به حضور می پذیرفتند. و من در این هنگام، آنی از آن حضرت جدا نمی شدم. و اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله می دانستند که با احدی از مردم غیر از من چنین نمی کردند. اگر من به منزلش داخل می شدم زنانش از جا برمی خاستند و حضرت صلی الله علیه و آله با من خلوت می کردند، اما هنگامی که برای صحبت خصوصی به منزل من می آمدند، فاطمه و هیچ یک از پسرانم خانه را ترک نمی کردند. وقتی که سوالاتم تمام می شد و سکوت می کردم، شروع به سخن می کردند. هیچ آیه ای از قرآن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل نشد، مگر آنکه آن را بر من قرائت و املا کردند و با خط خود نوشتند. و تأویل، تفسیر، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، خاص و عام را به من آموختند و دعا کردند تا خداوند قدرت درک و حفظ آن را به من عطا فرماید. پس از دعای آن حضرت صلی الله علیه و آله هیچ آیه ای از کتاب خدا و هیچ علمی را از آنچه بر من املا کردند و من نگاهتم را فراموش نکردم. و هیچ حلال و حرام و امر و نهی که از پیش بود یا بعد صادر شد و خدا به وی تعلیم کرده بود، و هیچ کتاب آسمانی که بر کسی قبل از او نازل شده بود و مشتمل بر طاعت یا معصیتی بود باقی نماند و همه را به من آموخت و من حفظ کردم و حتی یک حرف از آن را فراموش نکردم. سپس دستش را بر سینه ام نهاد و برای من دعا کرد که خدا قلب مرا از علم، فهم، حکمت و نور پر کند.»

صحیفه جامعه امیرالمؤمنین علیه السلام را بنا بر آنچه در کتب اربعه و مسند ابن حنبل آمده، این

افراد رؤیت کرده اند:

۱- لیث بن البختری ابوبصیر

۲- محمد بن مسلم الثقفی

۳- عبدالملک بن أعین الشیبانی

۴- زرارة بن أعین

۵- وهب بن عبدالله السوائی ابو جحیفه

۶- حارث بن سويد التميمی، از تابعینی بود، که در اواخر خلافت ابن الزبیر در سال ۷۳ ق. از دنیا رفت. طبق قول وی ابن عباس نیز در ناحیه «ذی قار» این صحیفه را دید. از این کتاب، در منابع متعدد شیعه یاد شده است، از جمله:

۱. کتاب شریف کافی: ج ۱، صص ۵۷، ۲۳۹، ۲۴۱؛ ج ۲، صص: ۱۳۶، ۲۷۸ و ۶۶۱؛ ج ۳، ص ۹؛ ج ۴ صص ۳۴۰، ۳۶۸، ۳۹۰ و ۵۳۴؛ ج ۵، ص ۲۷۹؛ ج ۶، ص ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۳۲، ۲۴۶ و ۳۹۷ و ج ۷ صص ۴۰، ۸۱، ۹۳، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۳۶، ۱۷۶، ۲۰۰، ۲۱۴ و ۲۱۸.

۲. کتاب من لایحضره الفقیه: ج ۲، ص ۳۳۸ و ج ۴، صص ۷۴، ۱۵۰، ۲۵۴، ۲۶۸ و ۲۸۳

۳. تهذیب: ج ۱، ص ۲۲۷، ج ۲، ص ۲۳، ج ۳، ص ۲۹ و ج ۵، صص ۳۴۴ و ۳۵۵

#### کتابنامه:

۱. آغا بزرگ تهرانی، محمد حسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، ابوجعفر رشید الدین محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، به کوشش سید هاشم رسولی محلاتی، قم: مؤسسه انتشارات علامه.
۳. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، قم: نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ق/۱۳۶۳ش.
۴. ابوریه، محمود، اضواء السنة المحمدية، ج ۵، مصر: دارالمعارف.
۵. امام رضاع(ع)، علی بن موسی، صحیفه الامام رضا، به کوشش محمد باقر موحدی ابطحی، مدرسه الامام المهدي(عج)، ۱۴۰۸ق/۱۳۶۶ش.

۶. امین، سید محسن، اعیان الشیعة، به کوشش سید حسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحیح، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. برقی، ابوجعفر، احمد بن محمد بن خالد، الحاسن، به کوشش سید جلال الدین حسینی، چ ۲، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۹. جلالی، سید محمد رضا، تدوین السنة الشریفة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق/۱۳۷۱ش.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الى تحصیل مسائل الشیعة، به کوشش عبد الرحیم ربانی شیرازی، چ ۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
۱۱. صدر، سیدحسن، تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام، تهران: منشورات اعلمی.
۱۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة؛ به کوشش علی اکبر غفاری، قم: ۱۴۰۵ق/۱۳۶۳ش.
۱۳. همو، من لایحضره الفقیه، به کوشش سید حسن موسوی خراسان، چ ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۱۴. صفارقمی، ابوجعفر محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، به کوشش میرزا حسن کوجه باغی تبریزی، قم: کتابخانه آیت الله العظمی نجفی مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، به کوشش علی اکبر غفاری، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد: مرکز تحقیقات و مطالعات دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۴۸ش.
۱۷. همو، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، به کوشش سید حسن موسوی خراسان، چ ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.

۱۸. همو، تهذیب الاحکام فی شرح المنقعه، به کوشش سید حسن موسوی خراسان، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ق.
۱۹. غفاری، علی اکبر، « تاریخ تدوین حدیث»، تلخیص مقیاس الهدایه.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الروضة من الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، چ ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۹ق.
۲۱. معارف، مجید، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، چ ۲، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ضریح، ۱۳۶۷.
۲۲. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال نجاشی، به کوشش محمد جواد نائینی، چ ۱، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۷۰ق. / ۱۹۸۸م.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی